



بسم الله الرحمن الرحيم

## اشاره

در ذیل آیه شریفه جهت اول در مفهوم وقایه بود؛ جهت دوم در امر به وقایه بود؛ و جهت ثالثه فی مفهوم الاهل و دایره و نطاق اهل بود؛ و جهت رابعه مکلف به خطاب بود؛ که پدر و مادر و این‌ها بود. این هم مفهوم عقل است که متعلق این حکم و خطاب است.

در جهت رابعه نکاتی طرح کردیم؛

۱- یک بحث مفهوم اهل بود، در اهل قرابه و عشیره را بحث کردیم در معمول لغات به خادم و غلام و کنیز که در خانه هستند اهل اطلاق می‌شود و به نوعی ملحق به قرابت می‌شوند،

۲- جهت دوم شمول للبالغه و غیره بود.

در خصوص شمول بالغ و غیر بالغ سه احتمال وجود دارد:

اولاً: من حین الولاده شروع می‌شود؛

ثانیاً: من حین البلوغ بود که دو وجه می‌شد اقامه کرد برای اینکه فقط بالغ را می‌گیرد:

- یکی این‌که چون ناراً دارد و صیانت باید از گناه فعلی باشد و این فعلیت گناه مربوط به بلوغ است؛

- یکی هم تعبیر امرونهی‌ای است که در روایات در تفسیر آیه آمده «تأمرهم و تنهاهم بما امر الله و نهی الله» و امرونهی فعلی در جایی است که بلوغ باشد.

دو تا استدلال را جواب دادیم که مناسبات حکم و موضوع و تأکید آیه اقتضا می‌کند که این شمول داشته باشد و لذا غیر بالغ را هم می‌گیرد. پس غیر بالغ شمول دارد.

## بحث سوم

سؤال بعدی بحث این است که غیر ممیز را هم شامل می‌شود یا نمی‌شود؟

بالغ قدر متیقن بود و دو دلیلی که غیر بالغ نفی می‌کرد پاسخ دادیم.



پس غیر بالغ را می‌گیرد، منتهی در محدوده غیر بالغ ممیز و غیر ممیز داریم آیا غیر ممیز را هم می‌گیرد؟

- ممکن است کسی ادعا بکند که غیر ممیز را نمی‌گیرد؛ چون آیه در غیر ممیز انصراف عرفی دارد «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً» (تحریم/۶) این حفظ مربوط به شرایطی است که بچه در حالت درک و فهم و آگاهی است و اگر عقل و شعور و آگاهی ندارد که بشود او را امرنهی کرد نمی‌توان گفت وقایه بر او واجب است. در حقیقت به خاطر ارتکازاتی یک نوع انصرافی درست می‌کنیم و مؤید این است که در روایات آمده «تأمرهم و تنهاهم» امرنهی مربوط به غیر بالغ ممیز می‌شود اما غیر ممیز را نمی‌گیرد.

- ممکن است چنین استدلالی بشود برای اینکه غیر ممیز مشمول این آیه نیست. به نظر می‌آید که به خاطر وجه سابق این آیه شامل غیر ممیز می‌شود و در غیر ممیز هم عملیات وقایه و صیانتی از نظر عرفی و عقلایی خیلی متصور است امرنهی‌ای که در روایت آمده حذف اضافی است یعنی یک وقایه قطعی‌ای که بروبرگرد نباشد، نیست علاوه بر اینکه در غیر ممیز هم امرنهی به تناسب خودش متصور است یعنی ممیز فقهی نیست ولی امرنهی در مورد او متصور است.

در حال «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً» تأکید روی این وقایه است که وقایه احتمالی را هم می‌گیرد و مناسبت وقایه وقایه احتیاطی و عملیات پیشگیرانه است خود آن اقتضا می‌کند که شمولش به بالغ یا ممیز محدود نشود؛ و لذا در غیر ممیز هم به همان اندازه که ظرفیت دارد می‌تواند مشمول آیه باشد البته در یک حد واجب است و در یک حد مستحب است.

## بحث چهارم

روایاتی داشتیم که «دعه یلعب» مقابل بعدی‌هاست که تکالیف جدی‌تری را متوجهش می‌کند؛ ولی «دعه» مطلق نیست که بی‌خیال باش تا هر کاری می‌خواهد بکند.

اینکه هیچ عملیه وقایه و تربیتی نداشته باشد مفاد روایات نیست چون خود روایات می‌گوید سه‌سالگی این کار را بکن دوسالگی این کار را بکن، فقط سختگیری که از هفت سال به بعد شروع می‌شود در مرحله قبل وجود ندارد. در تقابل با بعدی‌ها معنایش این می‌شود که «دعه یلعب» یعنی فضای بازی برای او فراهم کن و اینکه به تربیت او



توجه نداشته باشی از روایات استفاده نمی‌شود. البته بحث غیر ممیز را به آن قاطعیتی که راجع به غیر بالغ می‌گوییم طبعاً نمی‌گوییم یک مقدار استظهاری می‌شود ولی شامل آن هم می‌شود. این در مورد شمول اهل و تکلیف نسبت به وقایه اهل از حیث مبدأ بود که از حین ولادت شروع می‌شود یا از وقت تمیز یا از وقت بلوغ، سه مبدأ بود که از حین بلوغ شروع می‌شود یا از حین تمیز یا آنچه ما اقوی و اظهر دانستیم که از حین ولادت شروع می‌شود. البته شاید قبل از ولادت صدق اهل نکند و اگر صدق کند شاید شامل آن هم می‌شود انصراف دارد.

سؤال: آیا در لغت به این مطلب اشاره کرده است؟

جواب: کار لغت نیست خیلی چیزها را در لغت نگفته اتفاقاً در آیه بعدی امر را تو لغت می‌دیدم هیچ لغتی نگفته که صیغه امر برای هیئت بعثیه وضع شده این ارتکازات اصولیین است که با دقت ارتکاز این‌ها را درآورده‌اند. نفی کرده‌اند یا نکرده‌اند؟ نفی که نکرده‌اند ممکن است کسی بگوید بخصوص بعد از چهار ماه که ذی‌روح می‌شود و با این شاهد که ارث برایش گذاشته می‌شود ارث هم مال اهل و قرابت است ممکن است شاملشان بشود. حتی ممکن است از نظر لغوی هم شامل بشود ولی در خطاب از آن انصراف داشته باشد.

البته ممکن است کسی ادله دیگری را شاهد بگیرد برای اینکه آن را هم می‌گیرد.

۱- مبدأ وظیفه وقایی و صیانتی از بلوغ است

۲- از تمیز است

۳- از ولادت است

۴- دوره حمل را هم می‌گیرد.

## نتیجه بحث

این چهار احتمال است که احتمال سوم برای ما اظهر بود گرچه نمی‌توانیم احتمال چهارم را نفی بکنیم که حتی قبل از ولادت را هم بگیرد اما قدر متیقن همان بلوغ بود. ماقبلش احتمالات می‌تواند باشد و اختلاف هم فرضی است منتهی آیه را می‌شود این‌طور معنا کرد.



جهت ثانیه شمول آیه من حیث مبدأ و شمول الاهل القرابه من حیث الم مبدأ بود و بحث سوم در جهت رابعه این است که سؤال می‌شود که از حیث المنتهی تا کجاست؟

ظاهرش این است که لا حد له من حیث المنتهی الی حین الحیات است یعنی مادام یصدق الاهل و صدق الاهل مادام الحیات است.

مادام حیات الولد، مادام حیات الوالد، ما دام حیات الاخ او الاخت «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً» ممکن است سؤالی بشود که تا کجا این تکلیف از لحاظ مراحل سنی وجود دارد که مادام الحیات شمول دارد و این تکلیف هست. در جهت ثانیه بحث این بود که ویژگی‌های این تکلیف و امر چیست؟

یکی از ویژگی‌های این امر این است که ذومراتب است یعنی هرچقدر اهل قرابت بیشتری داشته باشد تکلیف اشتداد بیشتری دارد. -این هم یک حرف جدیدی در اصول است و ان شاء الله بحث می‌کنیم در امر چند بحث جدید باید افزوده بشود یکی هم این است - ممکن است در مواردی اوامری که موضوع و متعلقش درجات دارد بگوییم خود امر ذودرجات است یعنی «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً» قوا نسبت به انفس خیلی قوی‌تر است و نسبت به اهل درجه بعد است در اهل هم بجه‌ای که دوران کودکی‌اش را با شما می‌گذراند و همه وجودش به شما وابسته است امر وقایه خیلی قوی‌تر است تا پدر و مادری که شخصیتشان شکل گرفته و شما امر ونهی کلی می‌کنید که خیلی تأثیر هم ندارد؛ و لذا منتهی را می‌گیرد و تکلیف فرق می‌کند. در جهت ثانیه بحث هفتم این می‌شود تکلیف که همان امر و بعث به صیانت اهل باشد به ذومراتب است و به تفاوت درجات اهل این تکلیف شدت و ضعف پیدا می‌کند بر اساس ارتکازات و مناسبات حکم و موضوع این گفته می‌شود یعنی اگر شما مطمئن هستید که عملیات آموزش و نهی و بکارگیری روش‌های تربیتی فلسفه‌اش وقایه است و هرچقدر تأثیر بیشتر داشته باشد و شما در ارتباط با آن نقش بیشتری داشته باشید تکلیف قوی‌تر است و هرچقدر تأثیر کمتر باشد ضعیف‌تر می‌شود این هم لا یبعد،

سؤال: وقایه چطور؟

جواب: وقایه در یک جایی زحمت بیشتری دارد یک جایی زحمت کمتری دارد ولی ما می‌خواهیم بگوییم در یک حد هم از نظر شدت ضعف و وجوب و تکلیف و بعث متفاوت است.



سؤال؟

جواب: این آیه در تکالیف الزامی است و اینجا مادام الحیات است و نسبت این با روایاتی که می‌گوید «و الا فخل سبیل» این است که آن در مطلق است هر نوع فعالیت تربیتی که آداب و سنن و این‌ها را می‌گیرد ولی این در واجبات است یعنی واجبات مادام الحیات هست.

### بحث پنجم

بحث دیگری مربوط به جهت ثانیه است فعالیتی که در آموزش و امرونی در واجبات و محرمات انجام می‌گیرد آیا مثل امر به معروف و نهی از منکر آن شرایط را دارد یا ندارد؟ این که می‌خواهد به فرزندش آموزش بدهد یا امرونی بکند و راه را به او نشان بدهد و نسبت به واجبات و محرمات وظیفه‌اش هم هست آیا این در چهارچوب ضوابط امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد؟ چون روایت می‌گفت «تأمرهم و تنهاهم» آنچه در امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک قاعده کلی اجتماعی داریم یک نوع تربیت عام اجتماعی است حدود و ضوابطی دارد اما این یک تربیت خاص و تکلیف خاص خانوادگی است یعنی امرونی و آموزش خاص خانواده است، آن امرونی و آموزش عام اجتماعی است. امرونی به عنوان یک فعالیت عام تربیت در فضای عام جامعه مشروط به شرایطی است که احتمال تأثیر بدهد، خوف و ضرر نداشته باشد و علم به معروف و منکر داشته باشد آیا این آیه در آن چهارچوب قرار می‌گیرد یا نمی‌گیرد؟ اینکه گاهی ممکن است کسی را «یترک اهله و انه لیس من اهلیک» این‌طور صدق بکند در واقع چون فایده‌ای نداشته جدا کرده آیا وظیفه دارد یا ندارد به نحوی با این بحث ارتباط پیدا می‌کند.

### شرایط امر به معروف و نهی از منکر

چهار تا شرط امر به معروف و نهی از منکر که در کتب فقهی هم آمده، این شرایط مستند به روایاتی در ابواب امر به معروف و نهی از منکر است مثلاً این سه شرط در این باب آمده در جلد یازده کتاب امر به معروف و نهی از منکر



ابواب امر ونهی در باب دو عنوان مرحوم حر عاملی این است اشتراط الوجوب یعنی وجوب الامر و النهی به سه چیز است

۱- بالعلم بالمعروف و المنکر

۲- والتجویز التأثیر

۳- و الامن من الضرر

### ادله روایی

حدود ده روایت در اینجا آمده روایات دیگری در ابواب دیگر امر به معروف و نهی از منکر است که همین شرایط را بیان کرده عمدتاً این سه تا شرط است.

### دلیل اول

در روایت اول که شاید هم معتبر باشد می فرماید: «إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمُطَاعِ الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ لَا عَلَى الضَّعِيفِ الَّذِي لَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى أَيِّ مِنْ أَيِّ يَقُولُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ»<sup>۱</sup>

یعنی باید عالم به معروف و منکر باشد یا مفضل «من تعرض للسلطان الجائر فاصابته البلية لم يؤجر عليها» چون خوف ضرر دارد. بحث این است که در خود «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» روایتی نداریم که قیدی برای آن‌ها ذکر بکنیم آیه که قیدی ندارد.

روایاتی هم که در ذیل آیه آمده بود چنین شرایطی در آن ذکر نشده است.

در خصوص وظیفه خانوادگی در آیه و روایات خبری از سه شرط علم به معروف و منکر احتمال التأثیر و الامن من الضرر نیامده پس این‌ها اطلاق دارد. دو مسئله را باید بررسی کنیم:

<sup>۱</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص: ۱۲۶.



۱- روایاتی که در باب امر ونهی آمده اطلاقی دارد که بحث وقایه و بحث خانوادگی را هم بگیرد یا مخصوص امر به معروف و نهی از منکر عام است و تکلیف عامی است که مشترک بین همه است. آن‌ها از اینجا انصراف دارد ظهور روایاتی که بیان شرایط امر ونهی کرده است اختصاص به امر به معروف و نهی از منکر تکلیف عمومی است نه امر ونهی وقایی که در بحث خانوادگی آمده است.

این دلیل مستقل است که در بعضی جاها با امر به معروف و نهی از منکر با هم انطباق پیدا می‌کند و الا در غیر بالغ که انطباق ندارد ولی باز این شمول دارد. معلوم می‌شود که این یک بابی غیر از آن باب است، دو عنوان است و از همدیگر جدا می‌شود یعنی جاهایی است که قطعاً امر به معروف و نهی از منکر مصداق ندارد قبل از بلوغ و بخصوص قبل از تمیز جای امر به معروف و نهی از منکر نیست ولی این شامل آن می‌شود و آن را نپذیریم از لحاظ مورد منطبق می‌شود. خانواده در چهارچوب شرایط امر به معروف و نهی از منکر وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دارد منتهی به عنوان یکی از اطراف واجب کفایی،

سؤال: آیا افراد دیگر هم وظائف خاص خانواده را نسبت به فرزند دارند؟

جواب: بله وظیفه دارند منتهی برای خانواده وظیفه مؤکد است یعنی از حیث خانوادگی وظیفه‌ای دارند که این وجوب برای آن‌ها اشتداد پیدا می‌کند. نسبت به واجبات و محرمات در جامعه یک تکلیف عامی وجود دارد که هم ارشاد لازم است هم امر ونهی لازم است؛ اما برای خانواده تکلیف خاص با عنوان خاص وجود دارد آنجایی که این‌ها بر هم منطبق می‌شوند موجب اشتداد می‌شود آنجایی هم که این سه شرط جدا می‌شود آن وقت کاملاً جداست؛ و لذا عنوانش متفاوت است و این تکلیف را دیگران ندارند.

در پاسخ به این سؤال که آیا شرایطی که در باب امر به معروف و نهی از منکر گفته شده و روایاتی که آن شرایط را

بیان کرده‌اند شامل اینجا می‌شود یا نمی‌شود؟

در ظاهر این‌ها مربوط به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان عام تکلیف عمومی اجتماعی است همه روایات نظر به امر ونهی‌های عامی است که وظیفه عام است که در قرآن آمده «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/۱۰۴) یک تکلیف عمومی است نه خانوادگی، روایات هم ذیل همین



آیات آمده کل روایات این باب به تکلیف عمومی اجتماعی انصراف دارد نه تکلیف خاص خانوادگی و در اینجا تعبیر وقایه آمده، وقایه‌ای که می‌گوید یعنی تأکیدی دارد که فراتر از امرونهی است منتهی روایت برای اینکه سختی را از دوش افراد بردارد فرموده که یعنی «تأمرهم و تنهاهم» یعنی الزام و اجباری نیست که خیلی به زحمت بیفتید ولی تأکید در آیه هست وقایه تأکید بیشتری دارد و شاهدهی می‌شود که این در چهارچوب امربه‌معروف و نهی از منکر قرار نمی‌گیرد یک چیز قوی‌تر و جدی‌تر است. پس ادله شرایط امربه‌معروف و نهی از منکر لا یشمل العملیه الوقائیه کتکلیف فی العسر و بالنصف الی العائله و یشهد علی ذالک التعبير بالوقایه که هو ابلغ و اصلح من الامر و النهی در آن تکلیف عمومی،

۲- اما از زاویه دوم بعضی از شرائط امربه‌معروف و نهی از منکر عقلی است یعنی وابسته به دلیل نقلی نیست که بگوییم ادله اینجا را نمی‌گیرد ظاهرش این است که اگر دلیلی هم نبود احتمال تأثیر شرطی بود که عقل ما می‌فهمید. اگر جایی علم به این داشته باشد که کار او تأثیر ندارد دلیل نمی‌خواهد وقتی شما را مکلف می‌کنند که یاد بدهید اگر یقین داری که هرچقدر هم بگویی یاد نمی‌گیرد تکلیف نداری. وقتی در این عمل احتمال تأثیر نیست عقل می‌گوید حکمی نیست. یا مشقت کثیره است که ضرر یا حرج است باز ادله عامه و حاکم داریم که تکلیف را برمی‌دارد؛ بنابراین شرط احتمال تأثیر دلیل نمی‌خواهد عقل این را می‌فهمد. بخصوص در اینجا وقایه دارد، وقایه یعنی اثربخشی در آن باشد و نتیجه بدهد وقتی مطمئن است که اقدامات او تأثیری نخواهد داشت اینجا هم مثل امربه‌معروف عقل می‌گوید دلیل از آن منصرف است. پس با شمول ادله می‌گوییم اینجا حکم عقل است، ضرر و حرج هم دو عامل دیگری است که اگر در کار پدر و مادر و خانواده باشد یعنی در آموزش دادن و فعالیت‌های تربیتی برای او ضرری است مثلاً بچه او در کفرستان است و این اقدامات را بکند موجب حرج و ضرر است که ادله عامه می‌آید و این را برمی‌دارد. بنابراین احتمال تأثیر عقل می‌گوید، ضرر و حرج هم دو عنوان دیگری است که نباید باشد چون باز ادله حاکمه داریم که مقدم بر تکالیف خاصه‌اند جهت دیگر امن از ضرر است که از باب تزامم ادله دلیل خاص نمی‌خواهد. اگر تکلیف شما موجب یک ضرری می‌شود باید آن ضرر را با تکلیف سنجید چون خود را در معرض ضرر قرار





دادن حرام است القاء النفس الی التهلکه است وقایه هم وظیفه است؛ اگر قتل یا یک ضرر بالای است که از این مهم تر است مثلاً در جامعه کمونیستی سابق اگر کسی می‌خواست نسبت به تربیت فرزندش اقدام بکند در معرض قتل و زندان قرار می‌گرفت. آن باب، باب تراحم است اگر ضرر بالاتر و مهم‌تری از این است تکلیف برداشته می‌شود اما اگر این ضرر پایین‌تر است تکلیف بر او مقدم است.

تا اینجا با قطع نظر از ادله لفظی سه قید می‌تواند به این تکلیف خانوادگی بخورد:

۱- یک قید احتمال تأثیر است چون ادا لم یحتمل التأثیر و التکلیف لغو؛

۲- دوم اینکه این کار حرجی برای او نباشد چون شارع تکلیف حرجی را برداشته؛

۳- ضرر و خطر مهم‌تر از این مواجهه با آن نباشد یعنی عنوان ضرر و خطری که در مقام تراحم اهم از این هست با این تعارض نکند اگر به خاطر اقدام به این عمل ضرری یا خطری متوجه او می‌شود که مهم‌تر از این است باید ترک بکند که ضرر و خطر از باب تراحم است چون القاء النفس الی التهلکه اشکال دارد از این طرف وقایه و کار آموزشی تربیتی را باید انجام بدهد تراحم که می‌کند باید ببینیم کدام مهم‌تر است.

اما علم به معروف و منکر شرط نیست و دلیل عقلی ندارد و دلیل لفظی می‌خواهد برای اینکه عمل وقایی و تربیتی و امرونی که خانواده باید انجام بدهد، عملی است که می‌تواند خودش انجام بدهد یا دیگری را تسبیب بکند جایی که تکلیف مطلق است و خودت نمی‌دانی کسی را که می‌داند مأمور بکن و آن شرط دلیل عقلی ندارد و دلیل نقلی هم از این منصرف است. بنابراین دو شرط علم خودش یا علم او وجهی ندارد اما سه تا شرط با چهارچوبی که عرض کردم وجه دارد.

## جمع‌بندی و نتیجه

حدود بیست سی نکته در آیه گفتیم و نتیجه این شد که این آیه را ما یک تکلیف وقایی خانوادگی می‌دانیم که وجوبش در حد واجبات و محرمات است و اقدامات آموزشی و تربیتی که نسبت به واجبات و محرمات در طول مهر و موم‌های تکلیف و غیر تکلیف باید انجام بدهد، واجبات و محرمات هم واجبات و محرمات اولی و ثانوی و ولایی را می‌گیرد. آنچه جزء وظائف این در آینده خواهد بود امروز باید برای آن فعالیت و برنامه‌ریزی کرد این



وظیفه ممکن است در مواردی از باب امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب باشد ولی بر خانواده وجوب مؤکد خانوادگی دارد و ممکن است وظیفه حکومت هم باشد. این مفاد آیه شریفه است که این همه مطلب می‌شود از آن استخراج کرد و صلی الله علی محمد و آله الاطهار